

نشست علمی تخصصی هنر، معماری و شهرسازی عصر پنجشنبه‌ها

محل برگزاری: سالن اجتماعات مهندسين مشاور هرم پی

زمان: پنجشنبه ۹ آبان ۱۳۹۲

عنوان: راز هنر و معماری از ذهنیت تا عینیت

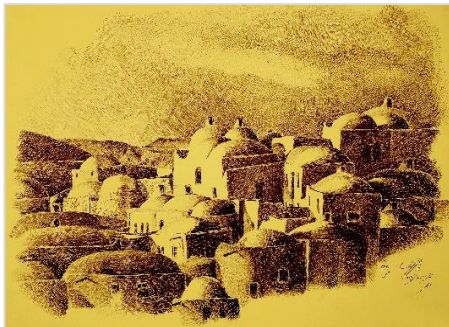
سخنرانان و اعضای پنل: آقای مهندس اردشیر سیروس، آقای دکتر حسین سلطان زاده، آقای دکتر محمدمهدی

محمودی، آقای مهدی مقیسه و آقای شهریار سیروس

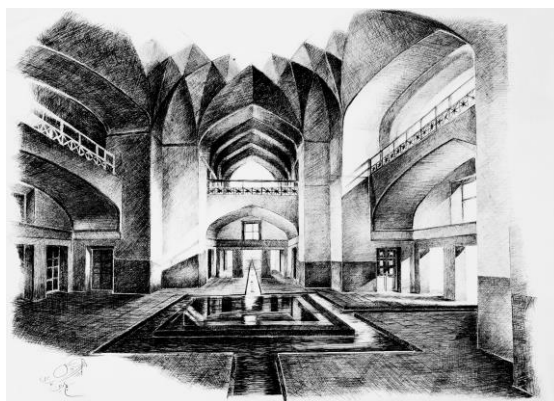
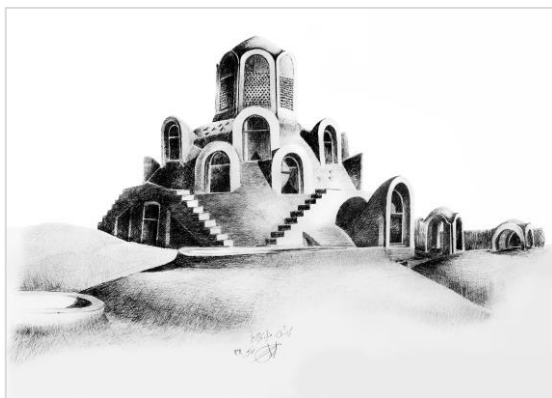
نشست با مدیریت پنل "شهریار سیروس" آغاز شد. وی ضمن معرفی و ارائه توضیحاتی در خصوص موضوع نشست اظهار داشتند: "بحث چیستی هنر از تمایز مباحث دانایی بشر است. بزرگترین فلاسفه وقتی می‌خواستند چیزی بگویند از فلسفه هنر استفاده می‌کردند. اما مشخصاً در مباحث هنری که اصولاً رمز آلود است شاید جدی‌ترین رمز و منشأ و منبع برای هنرمند، الهام است. در هنرمندان چه اتفاقی می‌افتد که ایده‌های خود را از هیچ خلق می‌کنند؟ در نهاد هنرمند چیزی وجود دارد که آن را از ذهن و درون خود به ظهور می‌رساند. این رازی که در درون هنرمند است از ذهنیت به عینیت رجوع می‌کند و هیچ اثر هنری در حوزه تمدنی ایران به وجود نیامده که ارزشمند باشد ولی فاقد یک ذهنیت عمیق باشد." در ادامه، نشست با سخنرانی آقایان مهندس اردشیر سیروس، دکتر حسین سلطان زاده، مهدی مقیسه، دکتر محمدمهدی محمودی پی گرفته شد و با پرسش و پاسخ اعضای پنل به پایان رسید.

چکیده ای از سخنرانی‌ها به قرار زیر است:

سخنران اول آقای مهندس اردشیر سیروس، وی ابتدا در خصوص پایه و اساس بلوغ هنر و معماری در جامعه توضیحاتی را ارائه و آن را بر سه اصل استوار دانستند: "بلوغ فیزیکی، بلوغ عقلانی و بلوغ روحانی و حسی". به عقیده ایشان "عصر ذهنیت، شاخصه این بلوغ است که در آفرینش خمیر مایه آن، اتحاد همراه با تلطیف خلق و خوی انسانی است که آن تلطیف، ذهنیت را به عینیت می‌رساند. عنصر ذهنی نقش مهمی در زیبایی دارد. از نظر هگل زیبایی مایه عالم است. هگل در این تفسیر که مایه عالم را روح مطلق نامیده آن را عینیتی می‌داند که از دنیای روحانی سر چشمه می‌گیرد و در اندیشه و تفکر به نام علم و فلسفه ظاهر می‌شود. عینیت در غالب حس و عاطفه به نام هنر تجلی می‌کند و در غالب رفتار به نام دین و اخلاق تجلی می‌یابد."



مهندس سیروس در ادامه سخنان خود افزودند: "من از عینیت آموختم خط و حجم وجود ندارد. خط نمادی است برای شناخت احجام و اندیشه که در حین کار به ما کمک می‌کند ذهنیت خود را پیرورانیم. ذهنیتی که خود به دو گونه می‌باشد، اول، شفافیت مکشوفات در حیات عنصری و دوم، راز هستی که با عینیت به معنا می‌رسد. در مجموع آنچه که باعث می‌شود ذهنیت به عینیت تبدیل شود آن ابعاد روحانی و معنوی تفکر و اندیشه است و اینکه ذهنیت و عینیت باید با هم باشند و نمی‌توان آنها را مجزا کرد".



سخنران دوم آقای دکتر حسین سلطان زاده، سخنان دکتر سلطان زاده پیرامون موضوع شناخت عناصر و فضاهای یک مجموعه، زمانی که برخی از آن عناصر حضور ندارند، با بررسی شهر نایین و روند شکل‌گیری آن به عنوان نمونه موردی اینگونه آغاز شد، "نائین ۷ محله و ۷ مرکز محله دارد که در دوران قاجار ساخته شده‌اند. منطقه نائین روستایی در مرکز ایالت بوده که بعد از دوران اسلامی یزد توسعه یافته است. با توجه به بناهای تاریخی و بررسی‌های صورت گرفته، بافت شهر و نحوه قرارگیری فضاهای شهری به گونه‌ای تعیین گردیده که نارنج قلعه در نقطه‌ای بالاتر از سطح شهر قرار داشته و حدس زده شده که بافت کهن دوران باستان شهر نائین است. الگوی شکل‌گیری شهرهای ما به این ترتیب بوده که در کنار مهمترین جاده، گورستان در نزدیکی شهر قرار گرفته و سپس بازار و مرکز شهر و سکونتگاه را داشتیم. مسجد کوچکی در کنار مرکز محله اولین مسجد جامع شهر بوده است. به کمک این پارامترها می‌توان حدس زد که اینجا هسته اولیه شهر بوده و پس از آن شهر توسعه پیدا می‌کند."



وی در ادامه با اشاره به این موضوع که "شهر نظام حیدری و نعمتی را داراست که یکی از کارکردهایش تقسیم بندی اجتماعی سیاسی است." افزود: "مرکز محله‌های شهر از الگوی خاصی پیروی می‌کنند به گونه‌ای که در محل تقاطع کوچه دارای یک طاقی هستند در حالی که نمای داخلی مرکز محله به صورت پیوسته طراحی شده است و هیچ کوچه‌ای آن را قطع نمی‌کند و در هر مرکز محله یک، دو یا چهار تخت وجود دارد." ایشان در پایان متذکر شدند که "با انطباق اسناد ادبی با شواهد معماری یا شهری، شناسایی پیشینه برخی از الگوهای شهری و نیز توجه به الگوهای رفتاری و فرهنگ معماری می‌توان عناصر و نحوه شکل‌گیری بسیاری از مجموعه‌ها و بناهایی که بخش عمده‌ای از آنها از بین رفته است را مورد شناسایی قرار داد."



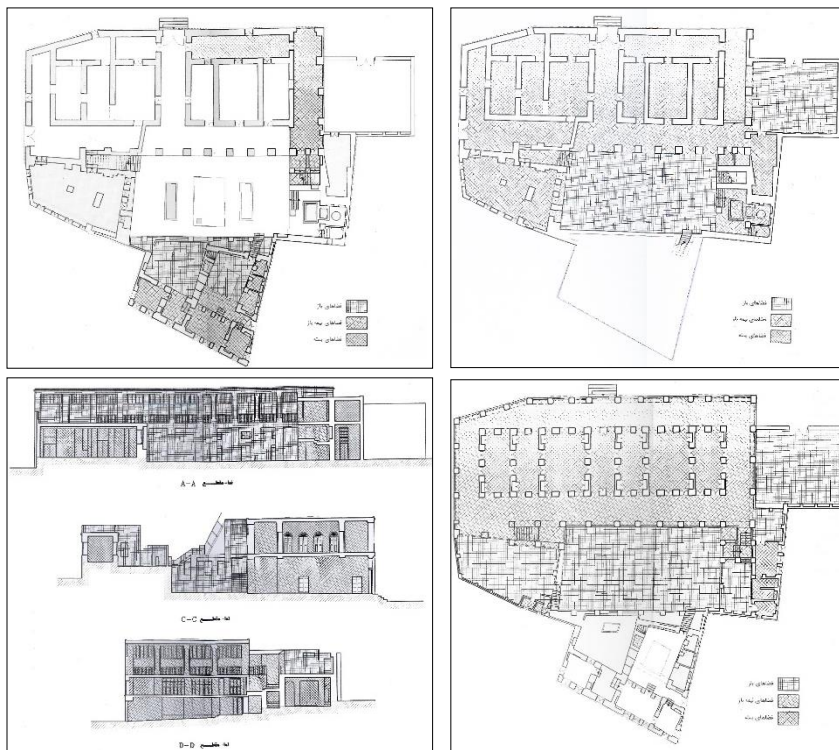
سخنران سوم آقای دکتر محمد مهدی محمودی، دکتر محمودی پیرامون موضوع راز هنر و معماری از ذهنیت تا عینیت ضمن بیان این مطلب که "در معماری و شهرسازی فضای بحث تئوری نیست و باید به واقعیت برسد" پروژه مرمت تجارتخانه کازرونی بوشهر را مورد بررسی قرار دادند. ایشان شناخت و تجزیه و تحلیل پروژه را لازمه انتخاب راهکار صحیح مرمتی دانسته تا بر اساس آن عملیات اجرایی آغاز و تجهیز و بهره‌برداری صورت پذیرد. از این رو مرمت تجارتخانه کازرونی بوشهر نیز طی همین روند و با هدف احیای نکات مثبت و منفی بنا به لحاظ اقتصادی و کاربری امروزی آن به عنوان باشگاه ملوانان بوشهر انجام شد.



از جمله فعالیت های انجام گرفته در این روند را می توان به صورت ذیل برشمرد:

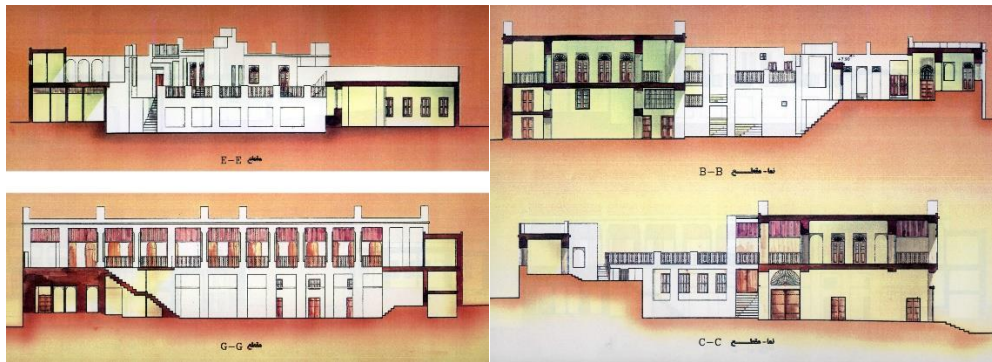
الف- شناخت و تجزیه و تحلیل

- شناخت ظاهری وضع موجود
- شناخت الحاقات طی ۱۴۰ سال
- شناخت نوع و روش الحاقات و اتصالات طی ۱۴۰ سال = معماری - سازه ای - تأسیسات
- شناخت هویت معماری بنا طی ۱۴۰ سال و تغییر کاربری های آن
- شناخت آسیب های به وجود آمده طی گذر زمان
- شناخت نیاز کاربری جدید کارفرما یا بهره برداران جدید
- شناخت مصالح ساختمانی بکار گرفته شده در طی گذر زمان



ب- بررسی و راهکارهای اجرایی

- بررسی تک تک ۷ مرحله شناخت ذکر شده و پیدا کردن معایب و مزایا هر یک از آنها
- پیشنهاد فرصت‌های جدید برای هر یک از معایب و مزایا به منظور جلوگیری از تهدیدهای آتی
- عملیاتی کردن فرصت‌ها با رعایت سه آیتم زمانی - اقتصادی - تکنولوژی
- تهیه طرح بازسازی بنا با کاربری جدید مورد نیاز و تهیه طرح مبلمان داخلی
- برنامه‌ریزی مالی و فیزیکی پروژه برای شروع عملیات اجرایی و سپس تجهیزات و مبلمان



ج- عملیات اجرایی

- شروع عملیات اجرایی و تجهیز کارگاهی
- بررسی اتفاقات فراموش شده اجرایی در مطالعات و کنترل تداخل گروه‌های کاری
- کنترل مالی و زمانی مستمر در زمان اجرا یا طرح مصوب
- اتمام عملیات اجرایی ساختمان



د- مبلمان و تجهیزات

- شروع چیدمان مبلمان
- راه اندازی آزمایشی کوتاه مدت یک ماهه

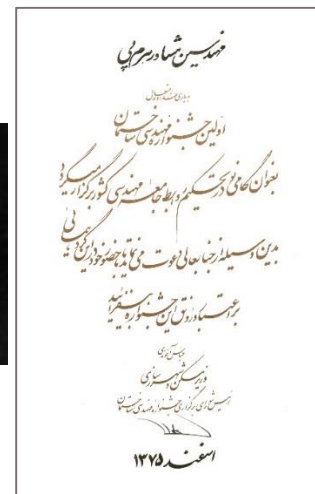


ه- بهره برداری

- راه اندازی موقت یکساله
- ارائه برنامه بهره برداری همزمان با برنامه نگهداری
- تحویل نهایی



این پروژه در سال ۱۳۷۵ موفق به دریافت لوح تقدیر جشنواره مهندسی ساختمان، در سال ۲۰۰۱ کاندیدای دریافت جایزه بنیاد آقاخان شد و در سال ۱۳۸۰ و با ثبت در آثار ملی سازمان میراث فرهنگی، به چهره واقعی خود طی ۱۶۰ سال اخیر دست یافت. این ساختمان هم اکنون به عنوان ساختمان سازمان میراث فرهنگی استان بوشهر مورد استفاده قرار می گیرد.



سخنران چهارم آقای مهدی مقیسه، نقاش و هنر شناس ضمن اینکه در زمینه هنرهای ایران مهارت دارند، با مبانی و فلسفه هنر نیز آشنایی دارند. وی در ابتدا "ذهنیت" و "عینیت" را دو واژه‌ای دانست که از زبان‌های اروپایی به فرهنگ ما وارد شده و سابقه‌اش به دروه افلاطون باز می‌گردد. آقای مقیسه در مورد نقاشی ایرانی ضمن بیان این نکته که این هنر با یک معیار زیبایی شناسی واحد مطلقاً نمی‌تواند کارآمد باشد، افزودند: به لحاظ تاریخی، نقاشی ایرانی را می‌توان به سه دوره تقسیم‌بندی نمود، هنر تصویرگری پیش از اسلام و اواخر ساسانی، اوایل اسلام تا دوره مغول و برفاقتان عباسیان در اوایل قرن ۷ و از مغول به بعد. نقاشان ایرانی وابسته و تابع حکومت بودند. نقاشی ایرانی در قیاس با نقاشی غرب از محدودیت‌هایی برخوردار است. اول منحصر به کتاب بودن با هدف اینکه افراد بسیار کمی نقاشی‌ها را ببینند و دیگری، محدودیت‌های اجتماعی و مذهبی. ایشان در پایان اظهار داشت: "راجع به ذهنیت و نقاشی ایرانی چه می‌توان گفت؟ اینکه این نقاشی زیباست؛ واقعاً چقدر می‌توانیم بفهمیم که نقاشان و معاصریشان چگونه فکر می‌کردند، آیا همین قدر انتزاعی دنیا را می‌دیدند یا در چارچوب سنت‌ها به این شکل نقاشی می‌کردند؟"

